

## مقدمه

«بررسی نقاشی ایران تا عصر حاضر» تصویری پرفراز و نشیب از مسیر این هنر را پیش روی محققان می‌گذارد که بخشهای وسیعی از آن به تحولات نقاشی غرب شبیه است و در مواردی که به ویژه به دوره معاصر و حدود شصت سال اخیر آن باز می‌گردد متفاوت از سرنوشت نقاشی جهان غرب است. زیرا با نزدیک شدن به دوره معاصر، و به ویژه نیم قرن اخیر، آراء و نظریات بیشتر دچار تشتت و اختلاف می‌شوند. به طوری که اصولاً نقاشی ایران در نیم قرن اخیر، خصوصاً پس از انقلاب اسلامی در هاله‌ای از ابهام فرو رفته است. این مسئله کاملاً برعکس وضعیت نقاشی در کشورهای اروپایی و امریکاست. زیرا وضعیت نقاشی معاصر کشورهای مذکور شفاف، قابل ارزیابی و مبتنی بر اطلاعاتی است که همواره در دسترس است. دلیل عمده این اختلاف نیز مشکل بودن پژوهش در زمینه نقاشی در ایران است. مواردی همچون کمبود، و گاه نبود، اطلاعات کافی در مورد کم و کیف نقاشی، فقدان مراکزی که بتوانند آمار یا تحلیل مناسبی درباره هنر مذکور ارائه دهند، عدم همکاری صحیح، به موقع و شفاف بسیاری از نقاشان و هنرمندان معاصر، انحصاری تلقی کردن بعضی از اطلاعات، بی‌ رغبتی به تحقیقات علمی و اطمینان نداشتن به پژوهشگران، تأثیر مسائل مختلف سیاسی - اجتماعی و برخی از کشمکشهای آشکار و پنهان بر فضای نقاشی ایران و بسیاری از موارد دیگر، هرگونه تحقیقی را با مشکل مواجه می‌کند. در این میان تفکیک دقیق اطلاعات از نظریات شخصی و عکس‌العملهای عاطفی، رفتارهای ژورنالیستی و گاه مبالغه آمیز و تحریف، ضروری و بلکه اجتناب‌ناپذیر است. بر این اساس، به دلایل ذکر شده با شرایط کنونی هرگونه

تحقیقی امکان نقصان دارد، زیرا همواره کشف نقاط مبهم و ناشناخته می‌تواند پژوهشی را نسبت به پژوهش پیشین کامل‌تر سازد. ضمن اینکه باید افزود که محدودیت فضا از نظر تعداد صفحات، مخاطبان و سطح درسی آن مانع از گسترده‌تر کردن مباحث و تشریح بسیاری از مسائل عنوان شده است، به طوری که در اکثر موارد مطالب در حد یک اشاره آمده است. به همین دلیل نام بسیاری از هنرمندان و نقاشان کشور ذکر نشده و فقط به تعدادی - در حد اشاره - پرداخته شده است. با این حال هر تحقیقی درباره نقاشی این کشور اگر از امکانات موجود بهره گرفته باشد، می‌تواند در حد بضاعت خود بخشی از سؤالات را پاسخ گوید. تحقیق حاضر نیز در این گروه قرار می‌گیرد. در نتیجه راقم این سطور متواضعانه مشتاق است نظریات اصلاحی و تکمیلی در مورد این اثر را از صاحب نظران و هنرمندان ارجمند دریافت دارد. امید که این کتاب بتواند در ارتقای سطح شناخت دانشجویان و هنرجویان مؤثر واقع شود.

مرتضی گودرزی (دیباچ)

اسفند ۱۳۸۳